

## پیوند اعضا به روایت اعداد

۸ نفر

هر فرد مرگ مغزی می‌تواند جان ۸ نفر را نجات دهد.

۱۲ ساعت

یک بیمار موفق به دریافت عضو حیاتی می‌شود و به زندگی برمی‌گردد.

۲ ساعت

یک بیمار نیازمند پیوند، جان خود را از دست می‌دهد.

۱۰ دقیقه

یک نفر به فهرست انتظار دریافت عضو اضافه می‌شود.



گفت‌وگوی اختصاصی «جام‌جم» با مدیر عامل انجمن اهدای عضو ایرانیان به مناسبت «روز ملی اهدای عضو»

# فقط ۱۰ درصد بزرگسالان کارت اهدای عضو دارند

مریم‌ملی گروه‌دانش گذشت به با فعالیت‌های انجمن اهدای عضو ایرانیان، پیشتر وجه امیدبخش آن براین‌بانه به تصویر کشیده شده‌است.

در کنار روزهای تاخ و سخت از دست دادن عزیزی که دچار مرگ مغزی شده، روزهای امیدبخشی هم هست که خانواده‌ای آشفته و مستأصل را که در اضطراب بیماری یکی از عزیزان خود است به پایانی خوش نزدیک می‌کند. با دکتر کتایون نجفی زاده، مدیرعامل انجمن اهدای عضو ایرانیان درباره وضع فعلی اهدای عضو در کشور در مقایسه با دیگر کشورها و چالش‌های این حوزه برای درمان بیماران نیازمند اهدای عضو گفت‌وگو کرده‌ایم.

ایران تا پیش از همه‌گیری کرونا در بین کشورهای آسیایی رتبه اول را داشت. نوع نگاه و آیین کشورهای بزرگ آسیایی در موضوع اهدای عضو تأثیرگذار است و برای همین در این زمینه پیشرو نبوده‌اند. مدیر عامل انجمن اهدای عضو ایرانیان می‌افزاید: به عنوان مثال در پیشینه فکری و آیینی مردم ژاپن، اهدای عضو جا نیفتاده است. چین تا مدت‌ها از اعضای بدن زندانی‌های کشورش برای پیوند اعضا استفاده می‌کرد اما این موضوع در سال ۲۰۱۵/۱۳۹۴ اعتراض‌های زیادی در سراسر جهان در پی داشت که در نهایت به اعلام ممنوعیت این کار منجر شد. در این میان ایران، برگ برنده فتوای امام خمینی (ره) را در دست داشت که دو هفته قبل از رحلت در پاسخ به پرسش پزشکان درباره اهدای عضو اعلام کردند، اهدای عضو از افرادی که دچار مرگ مغزی شده‌اند، مجاز است. دو سال بعد هم رهبر معظم انقلاب مجاز بودن اهدای عضو را اعلام کردند اما در بسیاری از کشورها با این که موضوع اهدای عضو از منظر قانونی حل شده هنوز از جنبه‌های آیینی و فرهنگی پیچیدگی‌های زیادی دارد. دکتر نجفی‌زاده ادامه می‌دهد: در بین کشورهای جهان اسپانیا در بالاترین رده قرار دارد. این کشور با شاخص اهدای عضو PMP48 وضعیت ایده‌آلی در اهدای عضو دارد. شاخص اهدای عضو برای ایران متناسب با جمعیت و میزان مرگ مغزی که دارد حدود PMP48 است که برای رسیدن به آن نیازمند آگاهی بخشی بیشتری درباره مرگ مغزی هستیم.

## لزوم آگاهی و تصمیم‌گیری قبل از وقوع حادثه

دکتر نجفی‌زاده در پاسخ به این سؤال که در حال حاضر مهم‌ترین چالش و دغدغه انجمن اهدای عضو ایران چیست، می‌گوید: مهم‌ترین مسأله ما این است که مردم باور کنند مرگ مغزی مساوی است با مرگ. این‌که در برخی برنامه‌های تلویزیونی با افسردگی گفت‌وگو می‌شود که می‌گویند من دچار مرگ مغزی شده‌ام اما بعد از مدتی به زندگی برگشتم، درست نیست. کاملاً مشخص است آن فرد در کما بوده و مردم آن را با مرگ مغزی اشتباه می‌گیرند.

مردم باید متوجه شوند، مرگ مغزی نوعی مرگ است و در واقع خداوند این توفیق را به آنها بخشیده که بتوانند برای دیگران نجات بخش باشند.

از آنجا که پی از مرگ مغزی، فقط چند ساعت برای تصمیم‌گیری درباره اهدای عضو فرصت داریم، بهتر است پیش از آن درباره این مسأله اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی شود و افراد تصمیم‌شان را در این باره به خانواده خود اعلام کنند: زیرا در زمان حادثه، شرایط روحی خانواده فرد برای آگاهی یافتن در این باره یا تصمیم‌گیری مناسب نیست. مثلاً اسپانیا که رتبه اول جهان را در اهدای عضو دارد، همان قدر که مردم فوتبال‌شان را می‌شناسند با مسأله اهدای عضو هم آشنا هستند.

## نشان اهدای عضوری کارت ملی و دفترچه بیمه

مدیرعامل انجمن اهدای عضو ایرانیان درباره لزوم همکاری سازمان‌ها برای بخش‌های اجرایی کارت اهدای عضو می‌گوید: در جمعیت ایران فقط ۱۰ درصد بزرگسالان کارت اهدای عضو دارند، این آمار در انگلیس یک‌سوم جمعیت بزرگسالان و در آمریکا به ۶۴ درصد می‌رسد.

در بسیاری از کشورهای جهان کسانی که کارت اهدای عضو دارند با علامت مخصوصی که روی کارت شناسایی و پلاک خودروی‌شان درج شده است قابل شناسایی‌اند.

این علامت کوچک کمک می‌کند اگر فرد در حادثه‌ای دچار مرگ مغزی شد، بدون صرف وقت برای بررسی این که آیا کارت اهدای عضو دارد برای شرایط او تصمیم‌گیری شود. در سال ۱۴۰۰ این قانون در ایران هم تصویب شد که روی گواهینامه، کارت پایان خدمت و دفترچه بیمه افراد قید شود فرد کارت اهدای عضو دارد اما متأسفانه هنوز مراحل اجرایی آن انجام نشده است. برای این کار باید کمیته‌ای متشکل از انجمن اهدای عضو، ثبت‌احوال و نیروی انتظامی تشکیل شود تا بتوانند این مسأله را بررسی کند و به اجرا برساند. فعلاً جلسه‌ای درباره این موضوع در وزارت بهداشت برگزار شده که ابتر مانده و همچنان به مرحله اجرا نرسیده است.

## بی‌تدبیری، قاتل یوزهای ایرانی

اشتباهات در سزارین، خطا در شیردهی و انتقال نابجا به تهران، جان دو فرزند «ایران» را گرفته است



مریم خیازی گروه جامعه

از خوشحالی «ایران» و ایران تا ماتم ما و «ایران» فقط ۱۷ روز طول کشید. «ایران» یازدهم اردیبهشت بعد از ۴۸ ساعت جنگیدن با درد زایمان، سه توله یوز به دنیا آورد که برای ایران هم یک افتخار بود و هم یک ثروت. ما با این تولدها در زمره معدود کشورهای قرار گرفتیم که توانسته‌اند در شرایط اسارت از یوزپلنگ‌ها بچه بگیرند و تنها کشوری بودیم که وارد وادی پرریسک تکثیر نسل از آخرین بازمانده‌های یوزپلنگ ایرانی شدیم اما حالا که ۲۰ روز بعد از تولد بچه‌های «ایران» و «فیروز» است، دو توله یوز مرده روی دست‌مان و یک توله که زندگی‌اش به مویی بند است.



## خطای اول: بچه‌ها بوی آدمیزاد می‌دهند

بعد از مرگ دو فرزند «ایران» و حرکت توله سوم روی لبه پرتگاه مرگ، خطاهایی که در پروژه تکثیر یوزها شناسایی شده از تعداد کل یوزپلنگ‌های زنده در زیستگاه‌های کشور بیشتر است. فارغ از این بحث‌ها اما خطای اول که احتمالاً، دومینوی خطاهای بعدی را هم سبب شده به یک موضوع پیش‌افتاده برمی‌گردد.

## خطای دوم: روش شیردهی غلط

توله‌ها با این‌که بوی آدمیزاد می‌دادند ولی گرسنه بودند و باید شیر می‌خوردند، آن هم شیر مخصوص و باروشی درست و اصولی باید به آنها خوانده می‌شد. اگر روایت پهرنگ اکرامی، دامپزشک معتمد سازمان محیط‌زیست را با دقت مرور کنیم خیلی از نکات روشن می‌شود: وظیفه من باروری «ایران» بود و وظیفه نگهداری و تیمار توله‌ها برعهده تیمارگر سازمان. بنابراین پس از تحویل توله‌ها به تیمارگر، پاک ملی توران را ترک کردم و پس از آن به دلیل شیردهی اشتباه، توله اول تلف شد. درباره شیردهی غلط به فرزندان



شنبه هفته گذشته شیر مخصوص توله یوزپلنگ‌ها توسط یک حامی در آمریکا خریداری شده و به دست سازمان رسیده اما این شیر با تاخیر زیاد به توله‌ها داده شده است.

## خطای چهارم: غفلت از همفکری

دیروز عصر خبر آمد که کار نگهداری از توله یوز باقیمانده به یک دامپزشک اندونزیایی سپرده شد، کاری که به اذعان بسیاری از کارشناسان باید زودتر از اینها انجام می‌شد. نبود دامپزشک متخصص یوزپلنگ در کشور هم حقیقی انگار ناپذیر است به همین علت باید پرسید پروژه‌ای که ۲ سال برای آن وقت و هزینه صرف شده چرا مسائل اولیه‌اش تذکر دیده نشده است.

## حقوق بشر آمریکایی و تحریم دارویی ایران

به‌تاگی پایگاه اطلاع‌رسانی ستاد حقوق بشر، وب‌سایت رسمی سازمان ملل متحد بیانیه آنا دوهان، گزارشگر ویژه سازمان ملل را درباره تحریم‌های یکجانبه و ثانویه علیه ایران منتشر کرد. در این بیانیه آمده است: به‌گفته یک کارشناس حقوق بشر سازمان ملل متحد، مجموعه پیچیده تحریم‌های یکجانبه علیه ایران، همراه با تحریم‌های ثانویه علیه افراد و نهاد‌های ثالث، رعایت افراطی تحریم‌ها و اتخاذ سیاست‌های به صفر رساندن ریسک توسط برخی شرکت‌ها و مؤسسات مالی، چالش‌های انسانی و اقتصادی موجود را تشدید کرده و بر زندگی مردم، به‌ویژه آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه، تأثیر منفی گذاشته است.

دوهان ادامه داد: «طبق قوانین بین‌المللی حقوق بشر، دولت‌ها موظفند تضمین کنند هرگونه فعالیت تحت صلاحیت یا کنترول آنها منجر به نقض حقوق بشر نمی‌شود در این خصوص، من از دولت‌های تحریم‌کننده به‌ویژه ایالات متحده می‌خواهم با حل و فصل مسأله امتیاز اختلافات بین‌المللی و لغو تمام اقدامات یکجانبه، به‌خصوص در زمینه‌هایی که بر حقوق بشر و زندگی همه مردم ایران تأثیر می‌گذارد، اصول و هنجارهای حقوق بین‌الملل را رعایت کنند». این گزارشگر ویژه تأکید کرد هرچند اقدامات ایران آثار منفی مستقیم تحریم‌ها بر بهره‌مندی از حقوق بشر را کاهش داده است اما نباید از وضعیت موجود به‌عنوان زمینه‌ای برای مشروعیت بخشیدن و قانونی کردن اعمال تحریم‌های یکجانبه استفاده شود.

دوهان در طول مأموریت خود در ایران با نمایندگانی از نهادهای دولتی کشوری و استانی، سازمان‌های غیردولتی، انجمن‌ها، فعالان امور بشردوستانه، مشاغل، نهاد‌های سازمان ملل متحد، دانشگاه‌ها و همچنین جامعه دیپلماتیک دیدار کرد. وی علاوه بر تهران، دیدارهایی در کرج و اصفهان نیز انجام داد. یادآور می‌شود موضوع تحریم تجهیزات پزشکی با واکنش رئیس سازمان غذا و دارو مواجه شد، به‌طوری‌که وی با تأیید انژنداری تحریم‌ها بر سلامت بیماران گفت آمریکایی‌ها بین انتقال ارز برای دارو، تجهیزات پزشکی و شیرخشک با سایر کالاهای قاچاق قائل نشده‌اند.

## صدای پای «ویروس میمونی»

آیا شیوع آبله میمون در جهان جدی است؟



لیلا شوقی گروه جامعه

چند هفته‌ای می‌شود که تب کرونا در کشور فروکش کرده اما این روزها خبر دیگری در حال انتشار است. حالا حرف از شیوع بیماری به نام آبله میمون است؛ آبله‌ای که هر روز در حال فتح کشورهای جدید است. نقشه ابتلای این بیماری در حال حاضر می‌گوید بیماری در حدود پنج کشور شناسایی شده است. هرچند سازمان جهانی بهداشت، از احتمال گسترش این بیماری عفونی و واگیردار خبر داده است و بسیاری از کارشناسان معتقدند شیوع بیماری در جهان، آنچنان هم جدی نیست.



آبله میمون، نوع نادری از بیماری است اما اولین نمونه‌های ابتلا به بیماری سال ۲۰۲۲ در انگلستان شناسایی شد. پس از آن آبله کشورهای بیشتری را فتح کرد



عمر ویروس آبله دقیقاً مشخص نیست ولی بسیاری از تاریخ‌نگاران تخمین می‌زنند بیش از ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح، آبله میان مردم شایع بوده است. سال ۱۹۷۷ آخرین ویروس آبله در انسان شناسایی شد و سال ۱۹۸۰، سازمان جهانی بهداشت اعلام رسمی کرد، آبله در جهان ریشه‌کن شده است. ویروس آبله میان حیوانات، همچنان وجود دارد و ریشه‌کن نشده است. این در حالی است که اولین نمونه انسانی این نوع آبله، سال ۱۹۷۰ شناسایی شد. سال ۲۰۱۷ شیوع آبله در نیجریه آغاز و سپس، نمونه‌هایی از شیوع این بیماری در انگلستان، آمریکا و حتی چین گزارش شد. همان زمان در چین، یک مرگ ناشی از ابتلا به بیماری آبله گزارش شد.

## آبله میمونی

اسم آبله با درد، تب و جوش‌های چرکین و دردناک گره خورده است. درست مانند همه آبله‌ها، آبله میمون هم علائمی شبیه آبله مرغان، همان بیماری که اغلب در دوران کودکی تجربه کرده‌اید، دارد.